

انقلابی و مردمی می‌توان وفاق ملی حاصل کرد و نظم جامعه را حفظ و مشکلات مردم را حل کرد، وفاق ملی یعنی وفاق با مردم نه وفاق با برهم‌زندگانی امنیت و آرامش مردم.»

تکلیف را مشخص کنید

همانطور که اشاره شد، اعتقاد مسعود پزشک‌یان بر این است که نقشه طراحی‌شده برای کشور و قرار گرفتن در مسیر توسعه ایرادی ندارد و اینکه به نتیجه نرسیده، به علت این بوده که راننده و به عبارت دیگر راننده‌ها ایراد داشته‌اند. موضوعی که لزوم تغییر و قرار گرفتن افرادی راه‌بلد را قطعی نشان می‌دهد اما اینکه با گذشت نزدیک به دو ماه از آغاز رسمی فعالیت دولت چهاردهم همچنان بلاتکلیفی در برخی سمت‌ها وجود دارد و مدیران گذشته روی کار مانده‌اند، جای سوال، ابهام و البته نگرانی دارد.

سوال این است که چرا همچنان بعد از دو ماه بسیاری از همان مدیران سابقه که تاکید بر تغییرشان برای تغییر در ریل‌گذاری و حرکت به سمت اهداف دولت چهاردهم وجود داشت، روی صندلی مدیریت تکیه زده‌اند و به راه غلطی که در آن حضور داشتند ادامه می‌دهند. چنانچه علیرضا مردی، رئیس فرهنگستان علوم پزشکی هم به آن اشاره کرده و گفته است: «من آن چابکی و نگران بودن را نمی‌بینم، آنچه‌آن‌ها با کندی معاونت‌ها انتخاب می‌شود، معاونی که می‌داند نیست که دیگر کاری نمی‌کند، اگر هم هنری داشته که قبلاً انجام داده بود. شما باید زودتر تکلیف کارهای وزارت‌خانه را روشن کنید. اینها اگر آدم‌های قابل‌نیستند که انتخاب‌شان نکنید. اما اگر روی کارشان مسلط و متعهد هستند، از همین الان باید برنامه‌شان را بدهند.»

پس اگر خوش‌بین باشیم و به این فکر نکنیم که مدیری که بلاتکلیف مانده، دست به تخریب‌نزد اما نگرانی آنجا است که عنوان «وفاق ملی» اسباب و وسیله‌ای شود که برخی مدیرانی که اصولاً از نظر سیاسی ضدتوسعه هستند به کار خود ادامه دهند و در دولت جدید به دنبال پیاده کردن منویات سیاسی سایه‌نشینان باشند.

به هر ترتیب این روند کُند تغییرات نگران‌کننده است ولی موضوعی که باید مدنظر قرار بگیرد این است که معاونان و مدیران لایه میانی در نتیجه‌ای که دولت به نمایش خواهد گذاشت دخیل خواهند بود. پس نکته مهم این است که خروجی کلان دولت هر چه باشد، خوب یا بد، در پایان به نام یک نفر نوشته خواهد شد. اگر خروجی خوب باشد که صد مدعی پیدا می‌کند اما اگر زمانی خروجی بد باشد، مردم نخواهند گفت که فلان مدیر لایه میانی و یا معاون باعث شده فلان حوزه خراب شود و یا نتیجه نداشته باشد و یا حضور فلان مدیر لایه میانی به خاطر وفاق ملی بوده است، بلکه خیلی شفاف و در کوچه و بازار خواهند گفت که مسعود پزشک‌یان مقصر بوده که این وضعیت ایجاد شده است. در ادوار گذشته همین بوده و در آینده هم همین خواهد بود.

نماینده مجلس اشاره کرد. هادی بیگی نژاد در توییت نوشته بود: «وقتی تشکیل کامل دولت زمان بر باشد و مدیران ستادی و میانی دولت در برزخ، رفتن یا ماندن، بی‌انگیزه باشند، فرصت طلایی برای دشمنانی است که برای ضربه زدن به نظام بیش از ۴۰ سال تجربه دارند.»

تاب همین تغییرات را هم ندارند

هرچند به صورت مشخص روند تغییرات کُند است و بلاتکلیفی در برخی پست‌ها ادامه دارد اما در این میان، نکته جالب این است که برخی احکام صادرشده توسط کابینه هم صدای برخی از هواداران کاندیدای رقیب را درآورده و به عبارتی آنها تاب همین تغییرات را هم ندارند و آنها هم خود را در مقام منتقد قرار داده‌اند. البته با این تفاوت که جنس انتقاد آنها چرایی درباره انتصاب برخی چهره‌هاست ولی در مقابل جنس اعتراض فرق دارد.

نمونه بارز عدم تاب آوردن در برابر تغییرات را می‌توان در مجلس دید که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس از تریبون آن خواهان هماهنگی رئیس‌جمهور با مجلسی‌ها برای انتصابات است و یا در نمونه دیگر سیدمحمود نویان، نماینده مجلس هم در نقد همین اندک انتصابات صدایش بلند شده و در توییت نوشته بود: «وفاق ملی با سرکار آمدن اغتشاشگران و حامیان آنها شکل نمی‌گیرد بلکه با آمدن جوانان مؤمن و



داشتند که گرایش‌های نزدیک به همان دولت را هم داشتند و حالا که دولت تغییر کرده، خودشان باید پیش قدم شوند و استعفا دهند زیرا باید بدانند وقتی مردم به دولت جدید رأی داده‌اند، یعنی نمی‌خواهند سلیقه مدیریتی سابق ادامه پیدا کند. انتظار عمومی آن است که به‌خصوص مدیرانی که از عملکردشان ناراضیتی وجود داشته، به سرعت خودشان کنار بروند.»

و در نمونه دیگر، غلامعلی رجایی ۲۶ شهریور به نامه‌نیوز گفته بود: «سرعت دولت آقای پزشک‌یان در عزل و نصب مدیران اجرایی مطلوب نیست. انتظار داشتیم که رئیس‌جمهور با کمک معاون اول انتصاب مدیران را تسریع کند اما این اتفاق نیفتاده است و جسته و گریخته می‌شویم که صدای برخی نیروهای فعال در ستاد انتخاباتی آقای پزشک‌یان درآمده و می‌گویند مدیران دولت قبیل همچنان سرکارند و راست‌راست به چشم ما نگاه می‌کنند. رضایت پایگاه اجتماعی دولت در زمان عزل و نصب‌ها هنوز جلب نشده است. توقع تغییرات سریع‌تری را در حوزه مدیریتی دولت داشتیم. تقریباً یک ماه از رأی اعتماد مجلس به کابینه می‌گذرد، در این مدت قطعاً وزرا بررسی‌های‌شان را انجام داده‌اند و حالا باید تغییرات معاونان وزارتخانه‌ها با شیب تندی استارت بخورد.»

در همین راستا می‌توان به یک اظهارنظر از سوی یک



باید ماشین‌کشتار صهیونیستی متوقف شود

محمدباقر قالیباف، رئیس‌مجلس در صحن علنی مجلس در نطق پیش از دستور خود با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران ترور و کشتار جمعی مردم لبنان را در حمله تروریستی اخیر رژیم صهیونیستی و بمباران مردمی دفاع به شدت محکوم می‌کند، تصریح کرد: «همچنین مراتب همدردی خود را با قربانیان این حادثه تروریستی اعلام می‌کنیم. همچون گذشته حامی دولت و ملت سربلند لبنان هستیم. رژیم حیثیت صهیونیستی ثابت کرده است که بی‌آبروترین جنایتکار تاریخ انسانیت است. آنها بی‌پروا کودکان را به قتل می‌رسانند، نسل‌کشی می‌کنند و با عملیات‌های تروریستی کوری بی‌گناهان را به کام مرگ می‌کشاند و به این اقدامات افتخار می‌کنند. تمام این مسائل در حالی رخ می‌دهد که این جنایتکاران در کنگره آمریکا مقابل چشم جهان، ایستاده تشویق می‌شوند تا تمام ارزش‌های انسانی به سخره گرفته شود. آمریکا و ایادی اروپا تنها زمانی به قوانین بین‌المللی تاکید دارند که برای آنها و متحدان آنها نفعی داشته باشد. اما در نهایت هیئت حاکمه آمریکا حاضر است بشریت را برای منافع مجتمع نظامی، صنعتی و صهیونیسم بین‌المللی قربانی کند. «قالیباف با بیان اینکه رژیم صهیونیستی رفتنی است چرا که نظم پایدار نمی‌ماند، تصریح کرد: «پس از آن مردم جهان عاملان و آمران این جنایت را محاکمه خواهند کرد.» وی در ادامه افزود: «باید ماشین‌کشتار صهیونیستی با همراهی تمام کشورها و عدالتخواهان جهان به‌خصوص دولت‌های مسلمان متوقف شود و هرچه زودتر صلح در غزه برقرار گردد.»



جمهوری سوم ایرانی

محمدرضا تاجیک، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در یادداشتی برای «مشق نو» چندین سوال را مطرح کرده و آورده است: «آیا دولت کنونی ایران، از یک منظر نمونه ایرانی همان «جمهوری سوم» نیست که در فرانسه تجربه شد؟ ایرانی بودن این جمهوری، دارای چه شناسه‌ها و میزهای خاص و متفاوت است؟ آیا این جمهوری قادر خواهد بود «امر اجتماعی» را جایگزین «امر سیاسی» و «همبستگی اجتماعی» را جایگزین «وفاق سیاسی» کند؟ آیا می‌تواند به ضرب مصالحه‌ها و معامله‌های سوردی و تانکیکی، پلی میان معتدلیون جناح، از یک‌سو، و کثرت اجتماعی، از سوی دیگر، ایجاد کند؟ آیا این نوع «وفاق از بالا»، ره به «شفاق در پایین» نمی‌برد؟ و آیا این جمهوری ره به جمهوری چهارم و پنجم... خواهد برد یا به‌عنوان «آخرین جمهوری» نقش خویش را ایفا می‌کند و از صحنه برون خواهد شد؟ وی در ادامه به بیان توضیحاتی درباره جمهوری سوم فرانسه پرداخت و در بخش دوم این یادداشت به توصیف جمهوری سوم ایرانی اشاره کرده و نوشته است: «جمهوری سوم ایرانی، اگر چه به نوعی نتیجه‌افول هیجانات انقلابی و رادیکال در نزد اکثریتی از مردم بود، اما در عین حال، حاصل تشدید تمایلات رادیکال مذهبی-سیاسی در نزد اقلیتی نیز بود. در آستانه خرس قدرت، اصحاب قدرت در شرایطی که از یک‌سو، با غروب، و از سوی دیگر، با طلوع تمایلات انقلابی-مذهبی مواجه بودند، می‌بایست به این پرسش پاسخ می‌دادند که: «چیست یاران طریقت بعد از این تقدیر/تدبیر ما؟» آنان، به‌تجربت دریافته بودند اگر یک‌بار دیگر اسیر توهم رادیکالیسم شوند و یک‌بار دیگر «غلط کنند راه»، به فنا خواهند رفت. اما این نیز می‌دانستند که رادیکالیسم می‌تواند چهره دیگری هم داشته باشد: عبور رادیکال از خویششان انقلابی و دینی خویش. لذا بر این راهبرد شدند تا نوعی تبدیل سیاسی که ادامه‌دهنده نظم و نظام انقلابی-دینی به بیان و زبان و روش و منش دیگر باشد، بیابند. این تأمل و تدبیر، ره برآمدن نوعی جمهوری سوم ایرانی شد که با آن جمهوری سوم که در فرانسه می‌شناسیم، در برخی سطوح و جوانب متفاوت است.» تاجیک در پایان تصریح کرد: «چنانچه جمهوری سوم ایرانی نتواند پرسش اجتماعی را جایگزین پرسش سیاسی کند و همبستگی از پایین را جایگزین وفاق از بالا، به‌طور فزاینده‌ای نه در هیئت یک «پاسخ» که به‌مثابه یک «مسئله» ظاهر خواهد شد، بیش از آنکه چاره کار باشد، یک چالش خواهد بود.»

با نماینده‌ها بر سر رای آوری وزرا را بیشتر از گذشته کرده است و توقعات آنها هم بیشتر شده است. لذا من معتقدم که هرچند ما تفکیک قوا داریم و قانون اساسی ما بر اساس تفکیک قواست، ولی معمولاً نماینده‌ها درباره عزل و نصب‌ها به‌خصوص درباره مدیران سطوح میانی نظر داده‌اند و نظر می‌دهند. تاکید می‌کنم نوع ترکیبی و راهبردی که آقای پزشک‌یان در این دوره شکل داده است، نه‌تنها امکان مداخله نماینده‌ها را کم نکرده است، بلکه بیشتر هم خواهد کرد.

این موضوع در مقایسه با دوره‌های گذشته آسیب‌های بیشتری را به همراه نخواهد داشت؟

در نهایت فردی که پاسخگو حوزه اجرایی است، شخص رئیس‌جمهور است ولی هر نوع دخالت در عزل و نصب‌ها، تحلیل بردن توان پاسخگویی و عملکردی رئیس‌جمهور است. بخشی از این توان به‌خاطر مداخله‌های جناحی تحلیل رفته است. بخش دیگری از این توان به‌خاطر دستگاه‌هایی که به اسم استعلام نوعی مداخله جدی و مؤثر در عزل و نصب‌ها دارند از بین رفته است و قسمت سوم این توان هم توسط نماینده‌های مجلس با دخالت‌هایشان در عزل و نصب‌ها تضعیف شده است. لذا من اعتقاد بر این است که در نهایت مدیران میانی که انتخاب خواهند شد، شاید در بهترین حالت ۲۵ تا ۳۰ درصد عوامل انتخاب آنها به دولت آقای پزشک‌یان مربوط خواهد بود و ما شاید چیزی حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد عوامل دیگری داریم که در اینجا صاحب نقش هستند. دلیل عمده هم نوع سیاستی است که آقای پزشک‌یان شکل داد. ایشان مقاومت چندانی در قبال گروه‌های قدرت نکردند. گروه‌هایی که با استفاده از ابزارهای مختلف مثل استعلام دخالت کردند و به همین علت، همین سهیل‌گیری موضوع مدیریت باعث شده که بخش بزرگی از مدیران لایه میانی از جریانی دیگر باشند.

در این ۷۰ تا ۷۵ درصدی که به آن اشاره کردید، فشارهای سیاسی چقدر تأثیرگذار است؟ به عبارتی فشارهای سیاسی چه میزان در این انتصابات تأثیر خواهند گذاشت؟

قبلاً اشاره مختصری به این موضوع داشتم. ما سه نوع فشار را در این زمینه داریم؛ یک بحث، فشارهای سیاسی است و این فشارها همان جایی است که به مسائل جناحی مربوط می‌شود. یک فشار در حوزه رابطه دولت و مجلس است که همان مباحثی را شامل می‌شود که پیرامون دخالت نماینده‌ها در عزل و نصب‌ها به آن اشاره کردم، سومین حوزه هم بحث استعلام‌ها و دخالت‌هایی است که از این طریق می‌تواند صورت بگیرد. برخی از دستگاه‌ها از استعلام استفاده می‌کنند تا به نظام گزینش نیروها در دولت جهتی را دهند که مدنظر خودشان است.

گرفت. در عرصه مدیریتی، این استدلال تا حد زیادی اثبات شده است و ما تغییر اساسی را ندیدیم. کما اینکه مسئول شورای راهبری گفت که تنها سه نفر از وزرا نفرهای اول لیست بودند. موضوع بعدی در حوزه سیاستی است که در درجه اول به ضرر کشور خواهد بود و بعد به ضرر مسعود پزشک‌یان می‌شود. زیرا انتخابات قوام‌بخش یک نظام سیاسی است و این قوام‌بخشی در واقعی بودن انتخابات خواهد بود. کسانی که بعد از هر انتخابات تمام تلاش خود را می‌کنند که تداوم را بر تغییر غالب کنند، اینها به نهاد انتخابات امید مردم به تغییر خیانت کرده‌اند. من اعتقاد بر این است که در قالب وفاق این موضوع را در نظام جایگزینی مدیران خود را نشان داد. این امیدواری وجود دارد که در حوزه سیاستی این مانع به وجود نیاید. کما اینکه با توجه به اینکه در نظام مدیریتی ایران سیاست‌ها وابسته جدی به مدیران دارند، شخصاً معتقدم آقای پزشک‌یان با مدیرانی از ستاد‌های رقیب نمی‌تواند اصلاحات مدنظر خودش را اجرایی کند. ولی با این وجود، مثل هر ایرانی دیگر ما هم پی فرصت بودیم و من معتقدم حداکثر فرصت آقای پزشک‌یان برای سه‌گانه اصلاحی اش این‌ماه امسال خواهد بود.

مدیری که تعیین تکلیف نشده و نمی‌داند که قرار است به کار ادامه دهد یا خیر، در بلاتکلیفی حضور دارد. این بلاتکلیفی بودن مدیران دولت گذشته چه تبعاتی برای مجموعه کشور دارد؟

در شرایط کنونی بلاتکلیفی هر مدیری (چه مدیرانی که به پزشک‌یان رای داده‌اند و چه آن دسته از مدیرانی که هوادار رقیب بودند) به ضرر دولت پزشک‌یان تمام خواهد شد. به همین علت من موافق هستم که آقای پزشک‌یان حداکثر تا پایان‌ماه جاری وقت دارد که تکلیف مدیران میانی را مشخص کند و بگوید فلان مدیر قرار است ابقا شود و یا تغییر می‌کند. زیرا به هر حال مجموعه عملکردی بودجه و برنامه کشور، ناشی از عملکرد خرد همه مدیران در سطوح پایین و میانی است. عملاً هیچ مدیری تا الان دست به قلم نبرده است مگر اینکه برخی سعی داشته باشند یکسری گزارش‌هایی برای ابقاء جایگاه خودشان ارائه دهند ولی به سود ایشان است که تا این‌ماه تغییر مدیران و یا تثبیت آنها را انجام دهد.

شما تجربه حضور در مجلس را دارید. فشار نماینده‌های مجلس چقدر در جریان انتصاب مدیران نقش دارد و این فشار چه آسیبی را وارد خواهد کرد؟

بر اساس تجربه تاریخی‌ای که دارم، نماینده‌ها همیشه در عزل و نصب مدیران میانی دخالت کرده‌اند. این دوره هم این دخالت وجود خواهد داشت و حتی دخالت بیشتر هم خواهد شد. علت بیشتر شدن دخالت هم این است که آقای پزشک‌یان با راهبرد وفاق ملی اش، عملاً نوعی تعامل

قضیه این است که ممکن است آقای پزشک‌یان راه خطای دولت گذشته را در پیش بگیرد که عبارت بود از افزایش ۵۰ درصدی مالیات‌ها و گران‌سازی‌هایی که تاوان آن را مردم دادند. این قسمت را من پوست خریزه زیر پای آقای پزشک‌یان می‌دانم و این دو مورد به هم ربط دارند. تا وقتی که آقای پزشک‌یان بخش عمده‌ای از مدیران ارشد را به ستاد‌های رقیب واگذار کند و مدیران میانی را از گفتمان نزدیک به خودش انتخاب کند، به‌نظم ایشان هم در حوزه تصمیم‌گیری و هم در حوزه اجرا برای پیش‌برد سیاست‌های اصلاحی خودش با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

با توجه به عملکردی که دولت سیزدهم داشت، آیا می‌توان استدلالی منطقی برای ادامه کار مدیران لایه میانی آن دولت در دولت چهاردهم پیدا کرد؟

من کسی هستم که در عرصه سیاسی اگر حضور پیدا کنم، نگاه حیثیتی به شعارهای انتخاباتی خواهم داشت. بخش عمده‌ای از سخنرانی‌های هواداران آقای پزشک‌یان درباره سیاست‌های اشتباه دولت گذشته بود؛ دولتی که فرصت احیای برجام را فدا کرد، بی‌سابقه‌ترین گرانی‌ها و مالیات‌ها را به مردم تحمیل کرد و میانگین شاخص عملکرد مدیرانش قابل دفاع نیست. اگر آقای پزشک‌یان آن سه‌گانه ضعیف دولت گذشته را ادامه دهد، این موضوع باعث ناامیدی هواداران خواهد شد. علاوه بر هواداران، این موضوع باعث خواهد شد تا آن پنجاه درصدی که پای صندوق نیامدند، استدلال‌شان تقویت شود که می‌گویند انتخابات در ایران معنای تغییر ندارد بلکه به معنای تداوم است. امثال ما تلاش کردیم تا به اینها بگوییم که انتخابات به معنای تغییر است ولی می‌بینیم که متأسفانه این تغییر در عرصه مدیریتی خودش را نشان نداده است ولی امیدواریم در عرصه سیاستی خودش را نشان دهد. به همین علت می‌گویم ایشان با ادبیات و رفتار دولت گذشته نمی‌تواند طرفدارانش را قانع کند و امید را به جامعه ایران برگرداند.

به بحث تغییر اشاره کردید. شاید بتوان گفت اکثریت قاطع شانزده میلیون نفری که به آقای پزشک‌یان رای دادند، رای‌شان به تغییر بوده است و خیلی از این ۱۶ میلیون نفر، به خاطر ترس از ادامه روند موجود پای صندوق آمدند. وضعیت را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مفاهیم و نهادهای سیاسی‌زمانی دچار ابتذال می‌شوند که عملکرد آنها لوث شود. عملکرد انتخابات بر مبنای تغییر است. اگر نتیجه انتخابات تغییر نباشد، طبیعتاً این باعث ابتذال این مفهوم خواهد شد. افرادی که پای صندوق نیامدند، این اعتقاد را داشتند که انتخابات در ایران مبتذل شده است، یعنی حتی اگر به تغییر رای داده شود، تغییری صورت نخواهد